

رابطه «تجارت آزاد» و «حفاظت از محیط زیست» در حقوق بین الملل

محمود جلالی^۱، علیرضا آرش پور^۲، مهسا نوابی فرد^۳

۱. دانشیار گروه حقوق دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

۲. استاد یار حقوق بین الملل عمومی، گروه حقوق، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

۳. دانشجوی دکترای حقوق بین الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان، ایران

دریافت: ۱۳۹۶/۰۵/۲۳

پذیرش: ۱۳۹۷/۰۴/۲۳

چکیده

تجارت آزاد مفهومی است که تلاش شده است در قالب اسناد بین المللی تعریفی معین و الزام آور به خود بگیرد. اسناد تجاری بین المللی، موافقتنامه هایی هستند که در پی روابطی چند جانبه در سطح جهانی و منطقه ای ایجاد شده اند. بهترین سند تجاری چند جانبه بین المللی در حال حاضر، موافقتنامه سازمان تجارت جهانی است. مقررات این سازمان و هم چنین مقررات گات ۱۹۴۷ در شناخت مقررات تجاری بین المللی بسیار حائز اهمیت است. مقوله محیط زیست و حفاظت از آن هر چند به طور خاص فاقد یک موافقتنامه در نظام سازمان تجارت جهانی است اما توجه به آن به عنوان یک استثنای مهم در تجارت آزاد محسوب می شود که در غالب بندهای «ب و ز» ماده ۲۰ گات ارزیابی می شود. به علاوه، موافقتنامه های تجاری سازمان تجارت جهانی از جمله ترپس، گتس، موافقتنامه کشاورزی، موافقتنامه موانع فنی فراروی تجارت، موافقتنامه اقدامات بهداشتی و بهداشت گیاهی دارای مقرره هایی خاص در

جهت حفظ محیط زیست و منابع تجدیدناپذیر هستند. در اسناد تجاری منطقه‌ای همچون اتحادیه اروپا، مقررات نفتا و مرکوسور نیز حمایت از محیط زیست و توسعه پایدار از جمله اهداف اساسی متولیان آن اسناد به حساب می‌آیند. این مقاله جایگاه محیط زیست در اسناد تجاری بین‌المللی اعم از جهانی و منطقه‌ای و نقاط ضعف و قوت این اسناد در راستای تعالی احترام و عمل به مقررات و استانداردهای زیست محیطی در تجارت را تحلیل می‌کند.

واژگان کلیدی: حقوق محیط زیست، اسناد تجاری بین‌المللی، سازمان تجارت جهانی، گات.

۱. مقدمه

رابطه میان تجارت و محیط زیست، رابطه‌ای پیچیده و چند بعدی است، لذا می‌توان از منظرهای مختلف به آن نگریست. از زمان مطرح شدن بحث روابط متقابل میان تجارت و محیط زیست و به تبع آن جایگاه محیط زیست در نظام تجاری جهانی، نظرات مختلفی در مورد این روابط چه از سوی طرفداران محیط زیست و چه تجارت آزاد مطرح شده است. آزادسازی تجاری بالقوه این توانایی را دارد که بر محیط زیست تأثیرات مثبت و منفی بگذارد. از یک سو تجارت آزاد به گسترش سرمایه و رفاه اقتصادی منجر می‌شود و از سوی دیگر سبب آلودگی بیشتر و نابودی منابع طبیعی تجدیدناپذیر می‌گردد.

مفهوم تجارت آزاد امروزه یا در قالب اسناد تجاری چند جانبه ای همانند موافقتنامه تأسیس سازمان تجارت جهانی و یا گات سابق مطرح می‌شوند که در واقع جز اسناد الزام‌آور یا حقوق قوام یافته در عرصه حقوق بین‌الملل محسوب می‌شوند و یا در قالب اسناد تجاری منطقه‌ای همچون اسناد تجاری اتحادیه اروپا و یا نفتا (موافقتنامه تجارت آزاد شمال آمریکا) و یا مرکوسور (بازار مشترک جنوب آمریکا)، که گاه‌آدر زمره حقوق نرم یا قوام نیافته و حتی بعضاً غیر الزامی قرار می‌گیرند، لذا برای یافتن جایگاه محیط زیست از دل اسناد فوق لازم است تا مفاد این اسناد مورد بررسی و تجزیه و تحلیل واقع شود تا موقعیت محیط زیست و الزام به حفظ گونه-



های در معرض خطر انقراض و جلوگیری از آلودی‌های زیست محیطی را در این اسناد بررسی کنیم.

در این مقاله ابتدا با بررسی مفهوم اسناد تجاری بین‌المللی به تفکیک این اسناد پرداخته و اسناد تجاری بین‌المللی را در سطح جهانی و منطقه‌ای مورد ارزیابی قرار داده‌ایم. مهمترین اسناد جهانی تجاری در عرصه بین‌المللی گات ۱۹۴۷ و WTO ۱۹۹۴ می‌باشند که علاوه بر سند مؤسس سازمان به بررسی موافقتنامه‌های تجاری ذیل آن در حوزه تجارت کالا، خدمات، مالکیت‌های معنوی و مباحث کشاورزی و بهداشت و ساختار خود سازمان تجارت جهانی و همین‌طور رکن حل و فصل اختلافات سازمان پرداخته شده است و در بحث از اسناد تجاری بین‌المللی منطقه‌ای، مقررات اتحادیه اروپا و مقررات موافقتنامه نفتا و مرکوسور مورد بررسی قرار گرفته شده‌اند.

۲. بررسی اسناد تجاری بین‌المللی

منظور از اسناد تجاری در سطح بین‌المللی، اسناد و موافقتنامه‌های دو یا چند جانبه‌ای است که در حوزه تجارت بین‌المللی تدوین یافته‌اند. در حله اول همانطور که اسناد و معاهدات بین‌المللی را به جهانی و منطقه‌ای و فراملی تقسیم می‌کنیم. در حوزه تجارت بین‌المللی نیز می‌توانیم از چنین‌الگویی بهره‌مند شویم.

قوی‌ترین مقررات تجاری در سطح جهان پس از تأسیس سازمان ملل متحد و کنفرانس برتون وودز و تأسیس صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی که به منظور سامان دادن به وضعیت پولی و مالی جهان تشکیل شد با یک تلاش ناکام در تأسیس سازمان جهانی تجاری (ITO) مواجه شد (این سازمان بدلیل عدم موافقت کنگره آمریکا هرگز ایجاد نشد)، اما موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) موازینی را در خصوص آزادسازی تجاری تدوین کرد که در سال ۱۹۹۵ نهایتاً به تأسیس سازمان تجارت جهانی (WTO) انجامید. (Andreia Gosta Vieira, University of

(Nottingham, UK) در طول دوران توسعه موازین تجاری جهان مسائل مربوط به سلامت ملی و سیاست‌های زیست محیطی کم کم و به شرط ضرورت وارد نظام مقررات جهانی تجارت آزاد در تحت لوای سازمان تجارت و همچنین موافقتنامه‌های چند جانبه و دو جانبه منطقه‌ای و جهانی گردید. علاوه بر آن مقررات داخلی برخی از کشورها مانند آمریکا و یا اتحادیه اروپا در اعمال استانداردهای زیست محیطی برای تولید محصولات و ممانعت از ورود کالاهایی که مضر به حال محیط زیست هستند، در نظام تجارت آزاد خلل‌هایی وارد کرده است.

۳. اسناد جهانی تجارت بین‌الملل و مقوله محیط زیست

۳-۱. مقررات گات و (WTO)

در ابتدا، زمانی که گات در سال ۱۹۴۷ به امضا رسید، به هیچ وجه نگهداری و حفظ منابع طبیعی از دغدغه‌هایش نبود. به واقع، در این دوره هنوز هیچ کشوری اهمیت تعادل زیست بوم‌ها را مهم تلقی نمی‌کرد و به طور حقیقی هیچ توجهی به ویژگی غیرقابل تجدید بودن منابع نمی‌شد و به طور معین در هیچ جای این سند به حفاظت از محیط زیست به طور اخص اشاره نشده است. در واقع مباحث و مناظرات بین تجارت و محیط زیست از حدود بیش از دو دهه پیش ظاهر شد هنگامی که یک سری از اختلافات تنش‌هایی را بین اهداف رقابتی آزاد سازی تجاری و مقررات زیست محیطی پدیدار کرد. این تعارض‌های ابتدایی، یک روایت رایجی را اشاعه می‌داد و آن، این بود که کشورهای توسعه یافته ثروتمند مانند آمریکا اغلب قوانین زیست محیطی داخلی تصویب می‌کنند مانند قانون حمایت از دلفین‌ها در صید ماهی تن یا قانون اصلاح سوخت گازوییل. لذا دغدغه اصلی کشورهای ثروتمند در نظام تجارت جهانی این است که در بسیاری از موارد تولید کنندگان داخلی آناندر یک رقابت سخت و تحت شرایط دشوار تولید قرار می‌گیرند و آنها مجبور به رعایت استانداردهای زیست محیطی تولید هستند در حالیکه شرکای تجاری آنها چنین شرایط مشابهی ندارند (mark wu)



(2014, p:408, & salzman). معذک در بند های «ب» و «ز» ماده ۲۰ موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات)، اجرای تدابیر تجاری تبعیض آمیزی به نفع حفظ محیط زیست و سلامت انسان، حیوان و گیاه مقرر شده است. هر چند که این تدابیر برخلاف موافقتنامه عمومی می باشد (لندن، ۱۳۸۹، ص ۲۴-۲۱).

۳-۱-۱. تحلیل بند «ب» ماده ۲۰ گات در پرتو رویه قضایی

بند «ب» به کشورهای عضو اجازه می‌دهد برای حفاظت از سلامت و حیات انسان، حیوان و گیاه اقداماتی را به عمل آورند و هیچ چیز در موافقتنامه «گات»، نباید به گونه‌ای تفسیر شود که مانع از اجرای این اقدامات توسط دولت‌ها گردد. هر چند روابط میان تجارت با مسائل مربوط به سلامت، موضوع بدیعی نیست، اما با افزایش تجارت مسأله سلامت و حفظ آن از اهمیت بیشتری برخوردار می‌شود و مسأله سلامت که قبلاً موضوعی داخلی تلقی می‌شد وارد قلمرو تجارت و از جمله سازمان تجارت جهانی گردید. از زمان آغاز به کار رکن حل و فصل اختلافات wto، این رکن با پرونده‌هایی مواجه شد که رنگ و بوی تجاری - زیست محیطی داشته اند. این پرونده‌ها اهداف مختلفی را در راستای حفاظت از محیط زیست دنبال می‌کردند، از حفاظت از لاک پشت‌های دریایی برای جلوگیری از تصادم اتفاقی در ماهیگیری تجاری گرفته تا حفاظت از سلامت انسان در مقابل خطرات ناشی از آلودگی هوا. بنابراین مسأله سلامت انسان و حیوان وارد قلمرو تجارت بین‌الملل شد. (an introduction to trade and environment in the wto) اما این ورود، ورودی بی‌قید و شرط و مطلق نیست. بلکه بند «ب» در راستای مقدمه ماده ۲۰ باید تفسیر شود. با توجه به آن، قید «ضرورت» و «عدم اعمال تبعیض خودسرانه و ناموجه» از جمله ضوابط و شروط اعمال این ماده است که حاوی توجهات زیست محیطی می‌باشد. به دلیل ابهامات موجود در این ماده، اختلافات بسیاری بر سر تفسیر این عبارات میان

کشورها تاکنون بروز کرده است. رکن حل و فصل اختلافات سازمان تجارت جهانی در خلال بسیاری از رسیدگی‌های خود هم در قالب گات و هم (WTO) با پرونده‌هایی مواجه شده است. این اختلافات مربوط به سیاست‌های حفاظتی از قبیل حفاظت از سلامت و حیات دلفین‌ها، کاهش آلودگی هوا، خطراتی که پنبه نسوز و محصولات ناشی از آن برای سلامت انسان‌ها به دنبال دارد و حفاظت از سلامت انسان‌ها در برابر خطرات ناشی از استعمال دخانیات می‌شود (عبدلی و دیگران، ۲۵، جولای ۲۰۱۵). به عنوان مثال می‌توان به پرونده تون/دلفین که در هیأت گات در سال ۱۹۹۱ مطرح شد، اشاره کرد. این پرونده از جمله مواردی بود که جهانیان را متوجه تنش بین دغدغه‌های زیست محیطی و حقوق تجارت بین‌الملل کرد. در این پرونده قوانین حفاظتی آمریکا در زمینه حمایت از پستانداران دریایی مانع از ورود ماهی تن به این کشور می‌شد که بدون توجه به این مهم، صید شده بودند.

هیأت رسیدگی کننده بر کلمه «ضروری» در ماده ۲۰ تأکید کرد و نظر داده بود که اگر اقدامات دیگری که محدودیت کمتری بر تجارت تحمیل می‌کند در اختیار باشد، اقدام مورد اعتراض را نمی‌توان ضروری به حساب آورد، و هیأت مذکور با تکیه بر این رویکرد نظر داد که تحریم ایالات متحده بر واردات تن از مکزیک را نمی‌توان پذیرفت (Tuna/Dolphin I case, supra n. 59, para: 5, 28). زیرا به اعتقاد آن هیأت، اقداماتی دیگر نظیر مذاکره یا موافقتنامه‌های بین‌المللی می‌توانست به جای دست یازیدن به اقدام یکجانبه از سوی ایالات متحده صورت گیرد.

پرونده دیگری که در حوزه تفسیر بند «ب» ماده ۲۰ می‌توان به آن اشاره کرده پرونده میگو/لاک پشت است که بین آمریکا و چهار کشور هند، پاکستان، مالزی و تایلند در رکن حل و فصل اختلافات سازمان تجارت جهانی مطرح شد. موضوع این پرونده مجدداً صید لاک پشت‌های دریایی نادر و هلاکت آنان در حین صید میگو بود. که قوانین داخلی آمریکا مجدداً واردات میگوهایی که بدون توجه به روش‌های حفاظتی برای حفظ نسل گونه‌های در حال انقراض لاک پشت صید شده بودند به



آمریکا را منع کرد و این چهار کشور به دلیل تبعیض در تجارت و واردات میگو به رکن حل و فصل اختلافات شکایت کردند. در نهایت هیأت استیناف نتیجه گرفت که دولت آمریکا برای حل این معضل می توانست وارد مذاکره جهت ایجاد یک توافق چندجانبه شود نه اینکه مسیر تجارت را مسدود کند. و عملکرد آمریکا در این مورد در حکم تبعیض ناموجه یا محدودیت مخفی بر تجارت بین‌المللی به حساب می‌آید (Shrimp/Turtle, Appellate Body Report, para: 119-122).

همچنین تفسیر معیار ضرورت مقرر در بند «ب» در قضیه «سیگار تایلند» انجام گرفت. این قضیه تحت عنوان محدودیت تایلند علیه سیگارهای وارداتی از کشور آمریکا در هیأت بدوی گات مطرح گردید (WTO Panel, Thailand- Cigarettes, 1990, Para:74.)

از مجموع رویه‌های قضایی پیرامون معیار ضرورت، هر چند می‌توان چرخش رویکرد رکن حل و فصل اختلافات را در راستای حفاظت از محیط زیست ملاحظه کرد، اما هنوز تعارض میان حفاظت از محیط زیست و معیارهای تجارت آزاد نمایان است و رویه قضایی WTO نشان از آن دارد که قوانین WTO در زمینه نگرانی‌های زیست محیطی، کم اهمیت است. (an introduction to trade and environment in the wto, ibid.)

۳-۱-۲. تحلیل بند «ز» ماده ۲۰ گات در پرتو رویه قضایی

بند «ز» ماده ۲۰ یک مورد نادرست است که در سایر موافقتنامه‌های تجاری مورد مشابهی ندارد. این بند متضمن دو شرط است: اول اینکه اقدامات باید مرتبط با حفاظت از منابع تجدید ناپذیر باشد و دوم، اقدامات باید همراه با اعمال محدودیت بر تولید یا مصرف داخلی باشد. بحث پیرامون معیار «ارتباط» نخستین بار در قضیه

ماهی سالمون- شاه ماهی کانادا- و در رکن حل و فصل اختلافات مطرح شد.(WTO Panel Report, Canada- Herring and salmon, 1998).

بند «ز» به اقداماتی اشاره دارد که در ارتباط با حفاظت از منابع طبیعی هستند. از نظر رکن بدوی سازمان تجارت، لازم نیست که یک اقدام تجاری برای حفاظت از یک منبع طبیعی ضروری باشد، بلکه باید هدف نخستین آن حفاظت از یک منبع طبیعی تجدیدناپذیر باشد (Ibid, Para 4, 6).

تفسیر فوق در دیگر قضایایی که در رکن حل و فصل اختلافات WTO در خصوص بند «ز» ماده ۲۰ مطرح گردید؛ یعنی قضایای بنزین فرمول بندی جدید و میگو- لاکپشت دریایی نیز تکرار شده است (لندن، ۱۳۸۹، ص ۲۹-۲۸).

در آخرین پرونده زیست محیطی که در رکن حل و فصل اختلافات در سال ۲۰۱۱ مطرح شده، دولت اکراین در خصوص مسئولیت برای آلودگی‌های زیست محیطی که از طرف دولت مولداوی عارض شده بود طرح دعوی کرد. اوکراین مدعی شد که کالاهای وارداتی از طرف مولداوی به این کشور کالاهایی هستند که تولیدشان سبب آلودگی محیط زیست می‌شود و دومین اتهام وارده به مولداوی را مربوط به استفاده از بسته‌بندی‌های پلاستیکی محصولات به وسیله تتراپا دانست که شامل همه محصولات به جز لبنیات می‌شد. علاوه بر این اوکراین معتقد است که دولت مولداوی به نقض مواد ۲ و ۴ گات پرداخته و از لحاظ رعایت قوانین ملی، با این محصولات همانند کالاهای داخلی برخورد نمی‌شود. این پرونده هنوز در جریان رسیدگی است و رأی نهایی صادر نشده است (moldava_measures affecting the importation and internal sale of goods (environmental charg), DS421).

در مجموع می‌توان گفت که، رویه قضایی تفسیرهایی از بندهای «ب» و «ز» ماده ۲۰ ارائه کرده که می‌تواند گام‌های مثبتی به سمت تعدیل این مقررات به نفع محیط زیست باشد. البته در نگاه کلی متوجه می‌شویم که رکن حل اختلافات سازمان



تجارت در کلیه آراء خود به اصول آزادسازی تجاری و اصل رفتار ملی و اصل عدم تبعیض که از اصول بسیار مهم و پایه‌ای در نظام گات/ WTO است، اهتمام ورزیده و به دولت‌ها اجازه نمی‌دهد که به عنوان حفاظت از حیوان و انسان و سلامتی یا به طور کلی مسائل زیست محیطی مقررات تجاری این سازمان را بی اهمیت یا کم اهمیت بدانند؛ زیرا هدف سازمان تجارت جهانی به عنوان مهمترین سند تجاری بین‌المللی، تسهیل تجارت و از بین بردن مرزها و موانع تجاری میان اعضاست.

۳-۱-۳. بررسی مقررات زیست محیطی در موافقتنامه‌های سازمان تجارت جهانی
معاهده سازمان تجارت جهانی حاوی ۲۴ موافقتنامه و تعدادی تفاهم‌نامه است که بخشی از یک سند واحد هستند.
در اینجا به بررسی مختصری از موافقتنامه‌های سازمان تجارت جهانی که حاوی مقرره‌های زیست محیطی است می‌پردازیم.

۳-۱-۳-۱. موافقتنامه تأسیس سازمان تجارت جهانی
این موافقتنامه هدف، وظایف، ساختار و جایگاه حقوقی سازمان تجارت جهانی را مقرر می‌دارد. طبق این موافقتنامه استفاده مطلوب از منابع جهانی وقتی مجاز است که طبق اهداف توسعه پایدار در راستای حمایت و یا حفاظت محیط زیست باشد (نقی زاده، نوری و دیگران، ص ۳).

۳-۱-۳-۲. موافقتنامه اقدامات بهداشتی و بهداشت گیاهی (SPS)^۱

۱. Sanity and Phytosanity Agreement, 1994.

ماده ۲ موافقتنامه بهداشتی و بهداشت گیاهی، مقرر می‌دارد که اعضا حق اتخاذ اقدامات بهداشتی و بهداشت گیاهی لازم به منظور حفاظت از سلامت و حیات انسان-ها، حیوانات و گیاهان را دارند، مشروط بر این که اقدامات مزبور با مقررات موافقتنامه‌های حاضر در تعارض نباشند.

هر چند در موافقتنامه فوق سعی شده که میان دو هدف ترویج و ارتقای تجارت از یک سو و حمایت از سلامت و حیات انسان، گیاه و حیوان از سوی دیگر تعادل برقرار شود، اما تاکنون اکثر تحلیل‌ها و حتی آراء رکن حل و فصل اختلاف نشان گر برتری تجارت بر هدف دیگر بوده است (EPPS, Tracy, 2008, P.382).

۳-۱-۳-۳. موافقتنامه کشاورزی

مقدمه موافقتنامه کشاورزی بیان می‌دارد که تعهدات مندرج در این سند با در نظر گرفتن ضرورت و نیاز حمایت از محیط زیست وضع شده‌اند. به علاوه مطابق ماده ۲۰ مذاکرات مربوط به برنامه های اصلاحی، مسائل غیرتجاری را نیز شامل می‌گردد که یکی از آن مسائل می تواند حفاظت از محیط زیست باشد.

۳-۱-۳-۴. موافقتنامه عمومی تجارت خدمات^۱ (GATS)

موافقتنامه عمومی تجارت خدمات (گتس)، قواعد بنیادین تجارت کالاها را بر تجارت خدمات اعمال نموده است. طبق بند «ب» ماده ۱۴ گتس، چنانچه انجام اقداماتی برای حفاظت از سلامت و یا حیات انسان‌ها، حیوانات و گیاهان ضرورت داشته باشد، اعضای سازمان تجارت جهانی مجاز به تصویب آن اقدامات هستند ولو این که در مغایرت با «گتس» باشد (زهرامحمودی کردی، ۱۳۹۲، ص ۲۲۱).

۳-۱-۳-۵. موافقتنامه جنبه‌های تجاری حقوق - مالکیت معنوی^۱ (TRIPS)

۱. General Agreement on Trade of Services 1994.



این موافقتنامه که قواعدی را برای حفاظت و اجرای حقوق مالکیت معنوی پیش‌بینی کرده از طریق بندهای ۲ و ۳ ماده ۲۷ خود مسائلی را در حوزه محیط زیست و حفاظت از آن مطرح کرده است.

یکی از خلأهای زیست محیطی «تریپس» این است که شورای «تریپس» تاکنون از انجام هرگونه اقدامی برای اعطای مقام ناظر به نهادهای زیست محیطی مهم سرباز زده است. برای مثال، شورا به تقاضای برنامه محیط زیست سازمان ملل متحد (UNEP) برای بهره‌مندی از مقام ناظر در آن شورا پاسخ منفی داد و همین عمل را در مورد کنوانسیون تنوع زیستی نیز تکرار کرد (Helfer, 2004, P.131)

۳-۱-۴. بررسی عملکرد ارکان و نهادهای سازمان تجارت جهانی

در بررسی عملکرد زیست محیطی ارکان و مقررات نهادی سازمان تجارت جهانی می‌توان به نقش کمیته تجارت و محیط زیست اشاره کرد. این کمیته هدفش تعامل میان تجارت آزاد و حفاظت از محیط زیست است و می‌خواهد به حفظ سیستم تجاری چند جانبه باز در کنار حفظ سلامت محیط زیست بپردازد و ایندو مقوله را مفاهیم متضادی جلوه ندهد.

در پی عملکرد ضعیف کمیته تجارت و محیط زیست، عده‌ای از تحلیل‌گران معتقدند که تصویب یک دستور کار جلسه دقیق‌تر و عملگراتر به منظور روشن ساختن روابط میان تجارت و محیط زیست ضروری است؛ زیرا بعید است که کمیته با عملکرد کنونی خود قادر به حل تعارض میان تجارت و محیط زیست باشد (Shaffer, 2001, P. 85)

همچنین در خصوص رکن حل و فصل اختلافات سازمان تجارت جهانی می‌توان به این مساله اشاره نمود که اقدامات مقرر در فرآیند حل و فصل اختلافات این سازمان، اقداماتی است که در صورت عدم تبعیت دولت محکوم‌علیه از حکم صادره علیه کشور متخلف اعمال می‌گردد. طرف دیگر اختلاف که حکم به نفع او صادر شده، می‌تواند به تعلیق امتیازات یا سایر تعهدات مندرج در سازمان تجارت جهانی در برابر محکوم علیه اقدام کند. به طور مثال این روش جبرانی را می‌توان در قضیه هورمون‌های گوشت گاو مشاهده نمود که در نتیجه عدم تبعیت جامعه اروپا از حکم صادره توسط دادگاه، آمریکا و کانادا مبادرت به وضع تعرفه صددرصدی علیه طیف گسترده‌ای از کالاهای وارداتی از جامعه اروپا نمودند. البته این شیوه در پرونده‌های کلاسیک wto مشاهده می‌شود. خصوصاً در سه پرونده مهم دهه ۹۰ که عبارت هستند از تن_دلفین /تن_میگو و گازوئیل آمریکا، (wu& salzman, 2014, p.408) عدم تبعیت دولت محکوم‌علیه از رأی صادره از رکن حل و فصل اختلافات سبب وضع تعرفه از سوی کشور ذی حق می‌شود. اما در پرونده‌های نسل آینده زیست محیطی توجه به این نکته ضروری است که اگر آن اختلاف از کانال رکن حل و فصل اختلافات wto و بصورت چند جانبه مطرح شود، در آن صورت طرف بازنده (محکوم-علیه) راههای مختلفی برای تبعیت از قواعد wto را دارد اما اگر اختلافی در حوزه تجارت و محیط زیست شکل پرونده خسارت تجاری به خود بگیرد و توسط مقامات داخلی رسیدگی شود، طرف محکوم‌علیه موظف به پرداخت خسارت می‌شود که یا از طریق پرداخت قیمت بالاتر و یا کاهش حق انتخاب کالاهای کم قیمت زیست محیطی اعمال می‌شود (ibid, p.468)؛ بنابراین اعضای سازمان تجارت جهانی می‌توانند از آثار زیست محیطی مجازات‌های تجاری، به عنوان ابزاری در راستای حفاظت از محیط زیست بهره گیرند (عبدلی و دیگران، جولای ۲۰۱۵، ص ۱۴).

حال سؤال این است که چگونه می‌توان قوانین wto را با توجه به اقدامات زیست محیطی در پرونده‌های نسل آینده اصلاح کرد؟



در پاسخ می‌توان اذعان کرد که در پرونده‌های کلاسیک امکان استفاده از محدودیت‌های تجاری جایگزین کمتری وجود داشت؛ اما اثرات مثبت زیست محیطی، اغلب با جایگزین کردن ابزارهای جانشین، به طور جدی کاهش پیدا می‌کرد، اما در پرونده‌های نسل آینده قواعد حفاظت از محیط زیست، بیشتر به حفظ منافع زیست محیطی توجه دارد و آسیب کمتری به محیط زیست می‌زند (ibid, p.460).

از طرفی سیاست‌های صنعتی سبز در wto احتمال آسیب به منافع زیست محیطی را کاهش می‌دهد (ibid, p.466) و از طرف دیگر، تعیین قیمت بالاتر برای کالاهای زیست محیطی سبب کاهش حق انتخاب مشتری در دریافت این کالاها با قیمت مناسب تر می‌شود و این روند به جذب آهسته‌تر مشتری منجر می‌شود، بنابراین همه چیز به میل و اراده مشتری معطوف می‌گردد.

به طور مثال، پیرو تصمیم آمریکا بر تحمیل ضد دامپینگ‌های یکجانبه علیه برنامه صفحه خورشیدی چین، بسیاری از کشورها خواهان اصلاح قواعد wto و ایجاد یک توافق نامه تکنولوژی پاک شدند. بدین صورت بود که تعرفه جدید آمریکا برای صفحه خورشیدی به ۱۰٪ کاهش یافت و این کاهش سطح تعرفه‌ها سبب افزایش دسترسی به کالا و رقابت میان کالاهای زیست محیطی شده است. بنابراین بکارگیری سیاست‌های صنعتی سبز و اصلاح مقررات wto در راستای کاهش تعرفه کالاهای سبز، سبب افزایش رقابت و رونق تجارت می‌گردد (ibid, p.467).

۲-۳. بررسی زیست محیطی اسناد منطقه‌ای تجارت بین‌الملل

اگر در سطح جهان، پیشرفت توجه به محیط زیست در نظام حقوق بین‌الملل بسیار کند بوده است؛ اما در سطح «منطقه‌ای» بخصوص در مورد اتحادیه اروپایی، این تحول سریع بوده است. به علاوه، مهمترین سازمانها و یا اتحادیه‌های منطقه‌ای که فعالیتشان در حوزه اقتصاد و تجارت است به مقوله محیط زیست هم عنایت داشته-

اند. در اینجا می‌توان اتحادیه اروپا، سازمان نفتا و مرکوسور را نام برد که در این قسمت به اختصار مقررات این سازمانهای منطقه‌ای بررسی می‌شود.

۳-۲-۱. اتحادیه اروپا

اتحادیه اروپایی که مؤسسه‌ای وفادار به تجارت آزاد در میان دول خود می‌باشد، یک سازمان جامع چند جانبه‌ای است که یک طیف وسیعی از موضوعات از جمله حفاظت از محیط زیست و استفاده از منابع طبیعی پایدار را شامل می‌شود. هر یک از اعضا ملزم هستند که به رهنمودهای اتحادیه پایبند باشند، اما به هر حال ممکن است تضادی بین رهنمودهای اتحادیه و مقررات ملی این کشورها وجود داشته باشد. ریشه و اساس اقتدار مقررات زیست محیطی در اتحادیه اروپا به مقررات معاهده رُم ۱۹۵۷ و معاهده ماستریخت ۱۹۹۲ بر می‌گردد (Conflicts between International Trade and International Environmental Protection Efforts).

در حقیقت معاهده رم ادغام محیط زیست را در سایر سیاست‌های اتحادیه توصیه کرد ولی از معاهده ماستریخت بدین سو حفاظت از منابع طبیعی شکل واقعی به خود گرفت. مناسب است متذکر شد که جدای از «اثر غیرمستقیم» دستورالعمل‌ها در حقوق داخلی به سبب ماهیت نظام حقوقی اتحادیه و قابلیت اجرای مستقیم آیین نامه‌ها، دولت‌ها، خود توسط متون خاصی متعهد می‌باشند.

از طرفی با تصویب و لازم‌الاجرا شدن معاهده ماستریخت، در اروپا پیشرفت‌های جدیدی در خصوص توجه به محیط زیست صورت گرفت. در سال ۱۹۹۰، اتحادیه اروپا آژانس زیست محیطی اروپا را ایجاد کرد که مقر آن در کپنهاگ دانمارک واقع است.

به طور کلی رهنمودهای زیست محیطی اروپا در طول این دوران مربوط می‌شود به آلودگی هوا، حمل‌ونقل و در معرض قرار دادن زباله‌های خطرناک، آلودگی فراسرزمینی آب و قانون بر چسب زنی محصولات. (Conflicts between International Trade Law and International Environmental protection Efforts)



در اینجا لازم است به اهمیت معاهده آمستردام نیز اشاره کنیم. اگر معاهده ماستریخت ادغام محیط زیست را در سایه سیاست‌های جامعه اروپا در ماده ۱۳۰ آر ۲ تحت عنوان محیط زیست اختصاص داد؛ اما این معاهده آمستردام بود که خیلی پیشتر در مقررات کلی، این ادغام الزامی محیط زیست را مورد توجه قرار داد و مفهوم توسعه پایدار را سرانجام در متن معاهده جامعه اروپا وارد کرد.

استراتژی اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۶ در حوزه ی توسعه پایدار یک چارچوبی را برای چشم انداز بلندمدت از پایداری ارائه می‌کند که در آن رشد اقتصادی، انسجام اجتماعی و حفاظت از محیط زیست دست به دست هم دهند و حمایت متقابلی از هم داشته باشند.

استراتژی اروپا در سال ۲۰۱۰ با عنوان «اروپا ۲۰۲۰» با هدف رسیدن به یک رشد هوشمند، پایدار و فراگیر راه اندازی شد. در این زمینه، اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۰ ارتباط تجارت، رشد و امور جهانی که بر سیاست‌های تجاری اتحادیه اروپا برای «حمایت سبز از توسعه و موضوع تغییرات آب و هوایی» تأکید می‌کند را تصویب کرد و به حمایت و ترویج رشد سبز در سراسر جهان در مناطق دیگر، از جمله در زمینه انرژی، بهره‌وری منابع و حفاظت از تنوع زیستی پرداخت. اهمیت تجارت و توسعه پایدار برای اتحادیه اروپا همچنان در حوزه ارتباطات تجاری در سال ۲۰۱۲، اهمیت ارزش توسعه پایدار در نظام توسعه را منعکس می‌کند.

بیشتر به طور خاص، اهداف زیست محیطی و توسعه پایدار در اتحادیه اروپا در یک تعدادی از ابزارهای تجاری زیر هماهنگ شده است: در سطح چند جانبه، اتحادیه اروپا به طور فعال در کمیته تجارت و محیط زیست سازمان تجارت جهانی به طور منظم در جلسات مشارکت می‌کند و در یک جلسه ویژه به منظور اجرای حکم دوحه (پاراگراف ۳۱ اعلامیه دوحه در زمینه آزادسازی تجارت کالاها و خدمات زیست

محیطی و رابطه بین سازمان تجارت و (MEAS)^۱ وارد مذاکره شد. با این حال این مذاکرات تاکنون پیشرفت ناچیزی داشته‌اند (Environment and Trade and External Relations, European commission) در ۲۴ ژانویه ۲۰۱۴، اتحادیه اروپا به همراه ۱۳ عضو دیگر از سازمان تجارت جهانی با هدف اولیه از بین بردن تعرفه کالاهای سبز، یک لیست گسترده از کالاهای دوستدار محیط زیست را معرفی کردند و این سیر مذاکرات هنوز در جریان است.

در سطح معاهدات دوجانبه و منطقه‌ای، یک عنصر کلیدی از سیاست‌های اتحادیه اروپا مذاکره و اجرای مفاد محیط زیست به عنوان بخشی از تجارت و توسعه پایدار است. اتحادیه اروپا از نزدیک بر اجرای مفاد مقررات زیست محیطی تجارت و توسعه پایدار که جامعه مدنی در آن نیز نقش دارد، نظارت می‌کند. علاوه بر مذاکرات و اجرای مفاد تجارت و توسعه پایدار در توافقات تجارت آزاد، اتحادیه اروپا تضمین می‌کند که ملاحظات زیست محیطی به موقع در روند سیاست‌گذاری خود از طریق استفاده روشمند از ارزیابی اثرات یک پارچه شده اعمال شود.

در سطح یک جانبه (یک طرفه)، «طرح تنظیمات کلی» ایجاد شده توسط اتحادیه اروپا به کشورهای در حال توسعه اجازه می‌دهد که در هنگام صادرات عوارض کمتری نسبت به کالاهای صادراتی شان به اتحادیه اروپا بپردازند. اتحادیه اروپا از این طریق امکان دسترسی بهتر به بازار اروپا و اشتغال زایی و رشد اقتصادی در آن کشورها را فراهم می‌کند.

به موجب این «طرح تنظیمات کلی» که ابزار سیاست تجاری اروپا است. نظام ترجیحات تجاری برای کشورهای آسیب پذیر که تصویب و اجرای کنوانسیون‌های بین‌المللی حقوق بشری و حقوق کار و محیط زیستی برایشان دشوار است را تسهیل می‌کند (Ibid).

۱. Modernizing Extension and Advisory Services.



از سوی دیگر، اقدامات سیاست های تجاری نیز به روش های متعدد زیست محیطی استفاده می شود. محدودیت تجارت بر تعدادی از کالاها که بر تنوع زیستی اثر منفی می گذارد مانند حیوانات در حال انقراض و گونه های گیاهی در حال انقراض، مواد شیمیایی که نگرانی اصلی منطقه ای و جهانی است و سبب کاهش کیفیت لایه ازن می شود، برجسته ترین نمونه از روش های اتحادیه اروپا است که اهداف زیست محیطی را دنبال می کنند کمیسیون اروپا با دقت قوانین و سیاست های بالقوه را بررسی می کند تا اطمینان حاصل کند که با مقررات سازمان تجارت جهانی سازگار باشند (Ibid).

۳-۲-۲. نفتا (توافقنامه تجارت آزاد شمال آمریکا)^۱

نفتا، دارای یک سری مقررات زیست محیطی است که به مدیریت منابع طبیعی و کنترل آلودگی می پردازد. اعضای آن آمریکا، کانادا و مکزیک هستند به دلیل اینکه مسأله کنترل آلودگی و حفاظت از منابع طبیعی از موضوعات حساس و اساسی در نفتا به شمار می آیند. یک تعداد گروه های زیست محیطی از آن حمایت می کنند. در حقیقت، مطالعات اخیر نشان می دهد که مقررات زیست محیطی نفتا هیچ ممانعتی بر سر راه تجارت یا جریان سرمایه گذاری ایجاد نمی کنند. برعکس، این مقررات، روابط تجاری شمال آمریکا را تسهیل و به حداقل رساندن اختلافات کمک می کنند (G.Esty, J.D. Associate Dean).

تعهدات دو جانبه آمریکا که در ۱۰ می ۲۰۰۷ به نتیجه رسید، برای اولین بار استانداردهای زیست محیطی را برای اعمال در موافقتنامه تجارت آزاد (FTA) با پرو، پاناما، کلمبیا و کره مطرح کرد. نفتا که در سال ۱۹۹۴ توسط آمریکا، مکزیک و کانادا

۱. NAFTA

به امضاء رسیده بود ریشه‌های جدیدی که حاوی اشاره به توسعه پایدار در قسمت دیباچه این سند بود را شکست. در واقع نفتا اولین موافقتنامه چند جانبه و منطقه‌ای بود که به مسأله حفاظت از محیط زیست پرداخت. در حالیکه شکستن اساس جدید نفتا همچنین یک شرط مشکل ساز بود (Schommer, 2007, Federal environmental policy)

به‌رغم نقش و اهمیت نفتا، باید اشاره کرد که نفتا یک الگوی کامل و بی‌نقص ارائه نمی‌کند. فصل ۱۱ نفتا با ذکر مقررات ضعیفی در حوزه جبران خسارت ناشی از فعالیت‌های دولتی مانند سلب مالکیت یک جنجال بزرگی را ایجاد کرده است. به طور مشابه ماده‌ای در نفتا وجود دارد که به تحریم‌های تجاری علیه کشوری که استانداردهای زیست محیطی را رعایت نکند مربوط می‌شود (Daniel G Esty, Ibid).

به موجب فصل یازدهم «حق طرح دعوی سرمایه‌گذار خارجی علیه دولت میزبان سرمایه‌گذاری برای سطح گسترده‌ای از فعالیت‌هایی که توسط دولت مربوطه اتخاذ شده را مطرح می‌نماید»، این حق طرح دعوی که در موافقتنامه‌های جدید تجارت آزاد وجود دارد ثابت می‌کند که بدون یک سازوکار مناسب برای حفاظت در برابر ادعاهایی که علیه دولت‌ها در تدوین مقررات زیست محیطی مطرح شده و ممکن است منافع آینده این شرکت را تحت تأثیر قرار دهد، نمی‌توان هیچ کاری کرد.

بسیاری از دولت‌ها و طرفداران محیط زیست عملکرد بر اساس فصل ۱۱ نفتا در رابطه با تلاش دولت‌ها در عبور از قوانین زیست محیطی را مشکل ارزیابی کرده‌اند. در واقع حق طرح ادعا از سوی یک سرمایه‌گذار برای رعایت رفتار عادلانه در همکاری تجاری در کشور خارجی بسیار مهم است. به هر حال، صرف اجازه طرح دعوی برای جلوگیری از رفتن بدون یک سازوکار مناسب برای ارزشیابی مزایای طرح دعوی می‌تواند قدرت تصمیم‌گیرندگان دولتی را تحت فشار قرار دهد و گاهی تهدید به طرح دعوی می‌تواند یک دولت را از برقراری حفاظت از محیط زیست باز دارد.



دعوی متانکس علیه آمریکا یک نمونه از طرح دعوی است که مقررات دولتی آینده را ممکن است متزلزل کند. شرکت متانکس در طرح دعوی علیه کالیفرنیا برای ممنوعیت واردات افزودنی‌های سوخت سمی که به آبهای زیرزمینی تراوش می‌کرد و سلامت عمومی را تحت تأثیر قرار می‌داد، آغاز می‌شد. طرح چنین دعاوی نهائماً می‌تواند دولتها را از تدوین مقررات حفاظت از منابع طبیعی باز دارد.

از طرفی دیوان داوری در سال ۲۰۰۷ تصمیم گرفت که از پذیرش ادعاهایی که بر اساس فصل ۱۱ نفتا مطرح می‌شود، خودداری کند و ادعا کرد که این رکن بر این دعاوی صلاحیت ندارد.

در حقیقت هزینه‌های داوری به دلیل آنکه بار سنگینی به دوش کشورهای در حال توسعه ایجاد می‌کند، سبب می‌شود تا این کشورها از رعایت مقررات زیست محیطی بیشتر بازداشته شوند. استانداردهای زیست محیطی اورژانسی در موافقتنامه‌های تجاری دوجانبه و چند جانبه بین‌المللی سیر تکاملی مثبتی در ۲۰ سال گذشته داشته‌اند اما این سیر موضوعات زیست محیطی را به طور تاریخی به حوزه‌ای وارد کرده که سبب ایجاد مانع بر سر راه آن شده است.

در نتیجه فصل ۱۱ نفتا و شروط موافقتنامه‌های تجارت آزاد، کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه را از پذیرش مقررات زیست محیطی ضروری برای حفاظت از منابع طبیعی شان در آینده بازداشته است (Hena Schommer, 2007).

نفتا یک نقطه عطفی برای اجرای مفاد زیست محیطی به عنوان بخشی از توافق بود. با این حال بسیاری از قراردادهای پس از نفتا قدرت اجرایی بیشتر و دامنه قواعد زیست محیطی آنها گسترده‌تر بود.

در این بین کمیسیون همکاری‌های زیست محیطی شمال آمریکا به موجب ارزیابی‌های مستقل و به وسیله سازمانهای زیست محیطی به خاطر نقشی که در

جرقه طرح‌های سه ملیتی بر محیط زیست به موجب مقررات نفتا داشت مورد ستایش واقع شدند (Gallagher, nov 2009, p. 66-67).

یک سؤال از سوی صاحب‌نظران در مورد فعالیت نفتا وجود دارد و آن این است که چگونه نفتا می‌تواند بر استانداردهای سخت‌گیرانه زیست محیطی یک کشور اثر بگذارد و اینکه آیا این استانداردها را می‌توان با موفقیت به عنوان موانع تجاری غیر تعرفه‌ای به چالش کشید؟ در مقابل این سؤال مطرح می‌شود که آیا استانداردهای ضعیف‌تر زیست محیطی در یک کشور می‌تواند سبب انگیزه برای نقل مکان تولید به این قبیل کشورهای با حداقل استاندارد زیست محیطی شود؟

نهایتاً بحث‌هایی که در کنگره مطرح شد خصوصاً در حوزه اختلافات آمریکا و مکزیک به این نتیجه رسیدیم که نفتا یک مرجع حل و فصل اختلافات زیست محیطی به حساب نمی‌آید. پس این سؤالات همچنان با پاسخ‌های متناقضی مواجه است.

در آخر می‌توان گفت که نفتا سه نوع موافقتنامه زیست محیطی را معرفی می‌کند که ممکن است از نظر مقررات زیست محیطی نسبت به مقررات نفتا برتری داشته باشند که در صورت تعارض بین مقررات نفتا و این قبیل مقررات، آنها اجرا شوند. این موافقتنامه‌های زیست محیطی عبارتند از پروتکل مونترال در خصوص تحلیل مواد لایه اُزون، کنوانسیون بازل در کنترل انتقالات فرامرزی مواد زاید خطرناک و رفع آنها و کنوانسیون تجارت بین‌المللی گونه‌های در حال انقراض. با وجود مقررات فوق، برخی در کنگره نگران هستند که اثر مقررات نفتا در استانداردهای خاص یا قوانین زیست محیطی می‌تواند غیرقابل پیش‌بینی باشد (Tiemann, march 2000).

۳-۲-۳. مرکوسور (بازار مشترک جنوب)

مرکوسور مخفف بازار مشترک جنوب است و تعدادی از کشورهای آمریکای لاتین را در بر می‌گیرد. مرکوسور (Mercado comun del sur) یک معاهده تجاری منطقه‌ای



است که در سال ۱۹۹۱ بر اساس قرارداد اسونسیون (Asuncion) میان کشورهای برزیل، آرژانتین، اوروگوئه و پاراگوئه تأسیس شد. هدف از تأسیس مرکوسور ارتقای تجارت آزاد و تبادل آزادانه محصولات، نیروی انسانی و واحد پولی میان کشورهای عضو اعلام شده است.

برخی از تحلیلگران آمریکای جنوبی بر این باور هستند که مرکوسور دارای قابلیت تبادل منابع و تعادل بخشیدن به فعالیت سایر قدرت‌های اقتصادی در جهان، بویژه نفتا و اتحادیه اروپا است (آشنایی با مرکوسور، همشهری آنلاین، ۲ خرداد ۱۳۸۷).

پیمان آسونسیون اظهار داشت که بازار مشترک با هدف ضمنی آزادسازی تجارت کالا، خدمات و عوامل سازنده بین کشورهای عضو و حذف موانع (تعرفه‌ای و غیر تعرفه‌ای) بر سر راه تجارت در میان کشورهای این بلوک معاملاتی، ایجاد شده است. این پیمان نیز هماهنگی کلان و جزئی سیاست‌های اقتصادی را پوشش می‌دهد. همچنین این پیمان درصدد هماهنگ کردن نظام قانونگذاری کشورهای عضو به منظور تقویت فرایند ادغام می‌باشد (Marande Oliveria, battistello espidola, 2015, p.3.)

به موجب ماده ۵ فصل سوم توافقنامه زیست محیطی مرکوسور: «دولت‌های عضو باید در اجرای توافقات زیست محیطی بین‌المللی که طرف آن قرار گرفته‌اند همکاری داشته باشند. این همکاری‌ها می‌تواند شامل اتخاذ سیاست مشترک برای حفاظت از محیط زیست و حفظ منابع طبیعی، ارتقاء پایدار توسعه، ارتباطات مشترک در مورد موضوعات مورد علاقه مشترک و تبادل اطلاعات در مورد موقعیت‌های ملی در مجامع بین‌المللی زیست محیطی باشد (Framework agreement on the Environment of Mercosur, P. 360) پس از ظهور مرکوسور در سال ۱۹۹۱، شهر ریودوژانیرو، شاهد یک کنفرانس زیست محیطی جهانی بود. در این کنفرانس دولت-

های حاکمه نیاز به انطباق اقدامات جهانی برای حفاظت از تنوع زیستی و آب و هوایی را به رسمیت شناختند. دولتهای عضو کنفرانس در پرتو مقررات دستور کار ۲۱ و توسعه پایدار، خواهان اجرای اهداف این دستور کار در سطح منطقه‌ای در میان کشورهای عضو مرکوسور هستند.

در حالیکه پیمان آسونسیون به طور خاص حاوی مسأله محیط زیست نیست اما در دیباچه این پیمان یک اشاره مهمی به محیط زیست شده است بدین شکل که این سند هدف از گسترش بازارهای داخلی به وسیله ادغام در این پیمان را «استفاده بهینه از منابع در دسترس، حفظ محیط زیست و بهبود ارتباطات فیزیکی و هماهنگی در سیاست‌های کلان اقتصادی و حصول اطمینان از مکمل بین بخشهای مختلف اقتصاد بر اساس اصول انعطاف پذیری تدریجی و تعادل معرفی کرده است» (Marande Oliveria and Iabela, Ibid, P. 3-4).

همچنین در ماده ۳ موافقتنامه زیست‌محیطی مرکوسور به‌طور واضح و مشخص دولتهای عضو را برای دستیابی به اهداف موافقتنامه حاضر به ترویج حفاظت از محیط‌زیست براساس اصول تدریجی، انعطاف‌پذیری و تعادل موظف کرده است (Framework agreement on the environment of mercosar, P: 359).

در ماده ۱ پیمان آسونسیون مقرر شده است که تأسیس بازار مشترک و حفاظت از محیط زیست در کنار هم قرار داده می‌شود، مشروط بر آنکه میان سیاست‌های کلان و جزئی اقتصادی به منظور اطمینان از شرایط رقابت در بین اعضای مرکوسور و تعهدات آنان به هماهنگ سازی قوانین داخلی ارتباط برقرار شده باشد.

تصمیم شماره ۰۱/۹۲ شورای بازار مشترک، اقدامات برنامه ریزی شده برای اطمینان از انطباق کامل با اهداف پیمان آسونسیون برای دوره گذار را تأیید می‌کند. این تصمیم مهلتی را برای انجام تعهدات به گروههای مختلف واگذار کرده است.

یک کمیسیون محیط زیست به موجب قطعنامه ۰۵/۹۳ ایجاد شد. این کمیسیون به مقایسه ماتریس قوانین ملی و پروژه کمک‌های فنی برای توسعه محیط زیست می-



پردازد و توصیه نامه شماره ۲۰/۹۳ را آماده کرد که منجر به تأسیس کمیته همکاری فنی برای تصویب یک طرح همکاری زیست محیطی شد. کار گروه شماره ۸ در حوزه سیاست‌های کشاورزی با توجه به مؤلفه‌های توسعه پایدار و استفاده پایدار از منابع طبیعی و حفاظت از محیط زیست در بخش کشاورزی به تجزیه و تحلیل‌هایی از قوانین فعلی در چهار کشور عضو به منظور ترسیم سیاست‌های منطقه‌ای برای تولید محصولات کشاورزی پایدار پرداخت (Maronde Oliveria and Isabela, 2015).

P.4)

با توجه به نیاز به تدوین و پیشنهاد دستورالعمل زیست محیطی برای توسعه مدیریت مشترک بین کشورهای عضو مرکوسور، گروه بازار مشترک با صدور قطعنامه شماره ۱۵/۹۴، یازده دستورالعمل اساسی در مورد سیاست‌های زیست محیطی برای هماهنگی قوانین زیست محیطی در نظام قانونی کشورهای عضو ایجاد کرده است.

یکی از این موارد مربوط می‌شود به دریافت نقاط ضعف در قانونگذاری زیست محیطی کشورهای عضو و ترویج تصویب استانداردهایی که هم حافظ محیط زیست باشند و هم تضمین کننده شرایط عادلانه در رقابت برای کشورهای عضو مرکوسور باشد.

با توجه به اجرای دستورالعمل‌های فوق، از سال ۱۹۹۴ کشورهای عضو مرکوسور متعهد به کسب مجوز یا مدرک محیط زیستی در سیستم قوانین داخلی خود شده‌اند. این ابزارهای زیست محیطی به وضوح به اصل جلوگیری از تخریب محیط زیست مربوط می‌شود. هر چند که پیش‌بینی اولیه ما این است که همکاری‌هایی جهانی در عرصه بین‌المللی عملی شود، اما در سطح منطقه‌ای شاهد همکاری کشورهای عضو مرکوسور و همچنین حضور نهادهای ملی و سازمانهای مردم نهاد

در این همکاری‌ها هستیم. این همکاری‌ها باید مبتنی بر واقعیت‌های اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی کشورهای مرکوسور باشد (ماده ۶ تعمیم شماره ۲۰/۰۱ شورای بازار مشترک) (Ibid, p. 4-5).

در ماده ۱ موافقتنامه مرکوسور، کشورهای عضو بر انجام تعهداتشان مبتنی بر اصولی که در اعلامیه ریو در زمینه محیط زیست در سال ۱۹۹۲ مطرح شده عمل کردند. همچنین به موجب ماده ۳ این موافقتنامه ارتقای توسعه پایدار با استفاده از حمایت متقابل محیط زیست و اقتصاد در نظر گرفته شده است.

در ماده ۴ این موافقتنامه هدف سند حاضر را توسعه پایدار و حفاظت از محیط زیست از طریق همکاری در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی برای رسیدن به کیفیت بالاتر و استاندارد زیست محیطی بیشتر برای مردم، معرفی می‌کند و به موجب ماده ۸ این موافقتنامه کلیه اختلافات بین دولتهای عضو در خصوص عدم اجرای تعهدات موجود در این توافق باید از طریق سیستم حل و فصل اجباری اختلافات در مرکوسور حل و فصل شود (Framework agreement on the environment of Mercosur,

P. 360-362)

بنابراین مرکوسور به عنوان یک اتحادیه یا نهاد تجاری منطقه‌ای که با هدف آزادسازی تجارت بین کشورهای عضو ایجاد شده است در پرتو اعلامیه ریو ۱۹۹۲ و دستورکار ۲۱ به توسعه پایدار و حفاظت از محیط زیست توجه خاص داشته و چارچوب خاصی را برای توافق زیست محیطی در مرکوسور به تصویب رسانده است. از بررسی مواد پیمان آسونسیون متوجه می‌شویم که اگر به صراحت در این سند در مورد حمایت از محیط زیست بند و ماده‌ای نیامده اما در مقدمه این سند توجه به توسعه پایدار از اهداف تجاری این نهاد برشمرده شده است و سپس در موافقتنامه زیست محیطی مرکوسور به دقت و با ظرافت خاصی بر همکاری



کشورهای عضو مرکوسور در مدیریت زیست محیطی منطقه و شیوه‌های جبران خسارت و توجه به اصول توسعه پایدار تأکید شده است.

۴. نتیجه

رابطه محیط زیست و تجارت آزاد موضوعی پیچیده و چند بعدی است که صرفاً با یک مقاله نمی‌توان تمامی ابعاد آن را بررسی کرد؛ لذا در این مقاله سعی شد تا به جایگاهی که هم اکنون محیط زیست در غالب نظام جهانی تجارت در WTO و مقررات گات دارد رسیدگی شود. از مجموع آن اسناد می‌توان نتیجه گرفت که حفاظت از محیط زیست به طور کلی به عنوان یک استثناء بر سر راه آزادسازی تجارت به حساب آمده است.

در ضمن، عملکرد کمیته تجارت و محیط زیست سازمان تجارت جهانی در زمینه حفاظت از محیط زیست در مقابله با مقررات تجارت آزاد بسیار ضعیف ارزیابی می‌شود؛ لذا تدوین یک دستور کار دقیق‌تر و عملگراتر به منظور روشن ساختن رابطه تجارت و محیط زیست باید از مسائل مهم این کمیته باشد.

با مطالعه و بررسی رویه قضایی رکن حل و فصل اختلافات WTO در حوزه‌هایی که به محیط زیست پیوند داشته به این نتیجه می‌رسیم که از نظر طراحی کنندگان دعوی، استانداردهای زیست محیطی برخی از کشورها برخلاف اصل آزادسازی تجاری، مانع بر سر راه تجارت ارزیابی می‌شود و نظر رکن حل اختلافات این گونه تحلیل شد که رعایت استانداردهای زیست محیطی در صورتی که امکان دارد از طریق مذاکره و توافق بین کشورها حل و فصل شود و به بهانه‌های زیست محیطی مانعی بر سر تجارت آزاد ایجاد نکند، بهتر است.

از طرف دیگر، در این مقاله مقررات و اسناد تجاری منطقه‌ای مانند اتحادیه اروپا و نفتا و مرکوسور بررسی شدند. از مجموع مطالب نتیجه می‌گیریم که در سیر تحول

مقررات زیست محیطی در اروپا بهترین اسناد زیست محیطی معاهده رم ۱۹۵۷ و ماستریخت ۱۹۹۲ هستند که سبب ادغام مقررات محیط زیستی در سیاست‌های اتحادیه اروپا شده‌اند و بیشتر این سیاست‌ها به آلودگی هوا، حمل‌ونقل زباله‌های خطرناک، آلودگی فراسرزمینی آب و مقررات بر چسب زنی مربوط می‌شوند. در سال ۲۰۱۴ نیز، اتحادیه اروپا با هدف از بین بردن تعرفه «کالاهای سبز» که منظور همان کالاهای دوستدار محیط زیست هستند در سازمان تجارت جهانی با سایر کشورها وارد مذاکره شده است.

در خصوص «نفتا» یا همان توافقنامه تجارت آزاد شمال آمریکا نیز می‌توان گفت که مقررات زیست محیطی نفتا هیچ ممانعتی بر سر راه تجارت یا جریان سرمایه-گذاری ایجاد نمی‌کنند و برعکس این مقررات روابط تجاری شمال آمریکا را تسهیل می‌نماید.

مرکوسور یا همان بازار مشترک جنوب آمریکا نیز که با هدف ارتقای تجارت آزاد میان کشورهای عضو خود و مبتنی بر پیمان آسونسیون ایجاد شده دولتهای عضو را به همکاری زیست محیطی و ارتقاء توسعه پایدار دعوت کرده است و دولتهای عضو در پرتو مقررات دستور کار ۲۱ و توسعه پایدار خواهان اجرای اهداف این دستور کار در سطح منطقه‌ای شده‌اند.

با مطالعه و بررسی اسناد تجاری جهانی و منطقه‌ای به این نتیجه می‌رسیم که هر چند تلاش‌های جهانی برای احترام به مقررات زیست محیطی و تعالی آن صورت گرفته، اما سازمانهای منطقه‌ای در اجرای تعهدات زیست محیطی در تعامل با تجارت آزاد موفق‌تر بوده‌اند؛ لذا در صورت گسترش فعالیت‌های تجاری-زیست محیطی در سطح منطقه‌ای در آینده می‌توانیم امید بیشتری به تعامل محیط زیست و تجارت آزاد در سطح جهان داشته باشیم و تا تلاش‌های منطقه‌ای منجر به ایجاد اسناد قوام یافته و محکم در تضمین اعتلای محیط زیست نشوند، تلاش‌های جهانی (به دلیل تشتت آراء و اختلاف در منافع کشورهای جهان) بی‌فایده خواهد بود.



۵. منابع

۱-۵. فارسی

۱. عبدلی، مهران و امین مکرمی و سید احمد حسینی، «بررسی حقوق بین الملل محیط زیست از نظر سازمان تجارت جهانی، کنفرانس بین المللی در خصوص تحقیق در رفتار و علوم اجتماعی، استانبول ترکیه، ۲۵، جولای ۲۰۱۵.
۲. لندن، کارولین، تجارت بین الملل و محیط زیست، ترجمه محمدحسین رضائی قوام آبادی، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش، تهران، ۱۳۸۹.
۳. محمودی کردی، زهرا، «جایگاه محیط زیست در سازمان تجارت جهانی»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال پانزدهم، شماره ۴۱، زمستان ۱۳۹۲.
۴. نقی زاده، علیرضا، مصطفی نوری و دیگران، «بررسی رویکردهای زیست محیطی از منظر حقوق تجارت بین الملل و حقوق بین الملل سرمایه گذاری»، اولین همایش سراسری محیط زیست، انرژی و پدافند زیستی، ۱۳۹۲/۱۰/۱۰.
۵. اسناد حقوقی سازمان جهانی تجارت، نتایج مذاکرات تجاری چند جانبه دور اروگوئه، مترجمین، مسعود طارم سری، ماندانا فاضل و دیگران، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۵.
۶. آشنایی با مرکوسور، همشهری آنلاین، ۲ خرداد ۱۳۸۷.

۲-۵. انگلیسی

7. Conflicts between International Trade law and International Environmental Protection Efforts, Understanding Global Change: Earth Science and Human Impacts, International Environmental Law.
8. Environment and Trade and External Relations, European commission, visited on: ec. Europa. Eu/environment/integration/Trade-en.htm.
9. EPPS, Tracy, "Reconciling Public and WTO Rules under the SPS Agreement", World Trade Review , Vol. 7, 2008
10. Framework agreement on the Environment of Mercosur, volume 2210, I-040442, Translation- Traduction.
11. G.Esty, Daniel, Dean, J.D.Associate, "Free Trade and Encironment protection", School of foresty and Environmental studies, yale university.
12. Laurence R., Helfer, Meduating Interactions in an Expanding International Intellectual property regime, case W.Res.J.Int, Law, 36 (1), 2004.
13. Oliveria, Celso Marande, battistello espidola, isabela, "Harmonization of legal environmental standards in mercosar countries ", Ambien & Sociadada, sao Paulo V.XVIII, n, 4, 2015.
14. P. Gallagner, Kevin, "NAFTA and Environment: lessons from Mexico and Beyond", the future of North American Trade policy: lessons from NAFTA, A pardee center task force report, Nov 2009.
15. Schommer, Hena, "Environmental standards in U.S free trade agreements: lessons from chapter 11", sustainable development law and policy, vol.8, issue 1 fall 2007: federal environmental policy.
16. Shaffer, J.C., "The WTO under challenge", Harvard Environmental Law Review, Vol-25, 2001.
17. Shrimp/Turtle, Appellate Body Report.
18. Tiemann, Mary, "NAFTA: related environmental issues and initiatives", environment and Natural policy division, U.S department of state, diplomacy in action, march 2000.



19. Tuna/Dolphin I case, supra n. 59.
20. Vieira, Andreia Gosta, "Free Trade and Environmental protection are wholly compatible concepts, fully embraced by the new concept of sustainable development, University of Nottingham, Nottingham, UK.
21. WTO Panel Report, Canada- Herring and salmon, 1998.
22. WTO Panel, Thailand- Cigarettes, 1990.
23. WTO, Press Release, WTO Press 154, Elements of cooperation Between the WTO and UNEP, 29 Nov, 1999.
24. Mark wu &james salzman, The next generation of trade and environmentconflicts: The rise of green industrial policy, printed inUS.A, Vol 108, no.2, Northwestern university law Review, 2014.

۳-۵. تارنما

25. An introduction to trade and environment in the wto, visited on: http://www.wto.org/english/tratop_e/envir. (Last visited: 2017/07/05).
26. Moldava_measures affecting the importation and internal sale of goods (environmentalcharg), DS421, visitedon: http://www.wto.org/english/tratop_e/disput_e. (Last visited: 2017/10/06).